

چگونه محمد بن عبدالوهاب مغلوب شیخ قمی شد / روایتی از کشف انحراف در موسس وهابیت

۱۸ دی ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۴۶

مسئله نفوذ خارجی از جمله پروژه های پیچیده‌ای است که حوزه‌های مختلفی را شامل می‌شود از این جهت عامل نفوذی سعی می‌کند به طریقه‌ای وارد شود که هیچ شک و شبهه‌ای در این زمینه ایجاد نشود و برای کسی نفوذ وی ملموس و قابل فهم نباشد.

مسئله نفوذ خارجی از جمله پروژه های پیچیده‌ای است که حوزه‌های مختلفی را شامل می‌شود از این جهت عامل نفوذی سعی می‌کند به طریقه‌ای وارد شود که هیچ شک و شبهه‌ای در این زمینه ایجاد نشود و برای کسی نفوذ وی ملموس و قابل فهم نباشد.

چگونه محمد بن عبدالوهاب در بحث مغلوب درایت شیخ قمی شد / روایت مستر همفری از چگونگی کشف نقطه‌های انحرافی در موسسه وهابیت +تصاویر

انگلیسی‌ها که روزگاری به قول خودشان آفتاب در مستعمرات آنها غروب نمی‌کرد بسیاری از اراضی آسیایی و افریقایی را در حیطه نفوذ خود داشتند برای پیشبرد سیاست‌های خود سیاست کثیف معروف خود یعنی « تفرقه بینداز و حکومت کن » را اجرا می‌کردند. در این جهت نیز با راه انداختن اختلافات بین مذاهب و ایجاد فرقه سعی کردند که بین مسلمانان تفرقه بیندازند. آنان در هند و چین چندان احساس خطر نمی‌کردند زیرا هند کشور هزار فرهنگ و هزار رنگ و چین نیز جمعیت زیادی داشت با علائق متفاوت اما از مسلمان به دلیل اینکه یک قبله برای نماز دارند و در دین اسلام به وحدت میان آنان بسیار سفارش شده، بیمناک بودند. از این جهت برای ایجاد فرقه دست بکار شدند که در این میان فرقه ضاله وهابیت که بسیاری از مشکلات و افراطی‌گری‌های امروز زایده این فرقه است و به ایدئولوژی تروریست تفکیری داعش و گروه‌های دیگر در منطقه تبدیل شده است را بوجود آوردند.

چگونه محمد بن عبدالوهاب در بحث مغلوب درایت شیخ قمی شد / روایت مستر همفری از چگونگی کشف نقطه‌های انحرافی در موسسه وهابیت +تصاویر

یادداشت‌های مستر همفر نیز در این زمینه بسیار قابل توجه است. در حال حاضر نیز موضوع تفرقه انگیزی میان مسلمانان به طور

محسوس از سوی امریکایی‌ها و با کمک رژیم آل سعود اجرا می‌شود که اعدام شیخ النمر نمر یکی از همین حربه‌های تفرقه‌آمیز بود. بی‌بی‌سی فارسی نیز در همین راستا اعتراض مردم مسلمان را اعتراضات فرقه‌ای عنوان کرد تا بر اساس ذاتش بیشتر بر آتش تفرقه بدمد. حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در سخنرانی اخیرشان در دیدار جمعی از مردم و مسئولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی یکی از ابزارهای دشمنان برای جلوگیری از برپایی تمدن نوین اسلامی را ایجاد تفرقه میان مسلمانان دانستند و گفتند: از هنگامیکه موضوع شیعه و سنی در ادبیات مقامات و سیاستمداران امریکایی مطرح شد، اهل فهم و اهل نظر نگران شدند زیرا مشخص بود آنها بدنبال یک توطئه جدید و خطرناک تر از قبل هستند.

چگونه محمد بن عبدالوهاب در بحث مغلوب درایت شیخ قمی شد / روایت مستر همفری از چگونگی کشف نقطه‌های انحرافی در موسسه وهابیت + تصاویر

بدین جهت به سراغ یادداشت‌های جاسوس انگلیسی مستر همفری می‌رویم تا مخاطبان گرامی بیشتر با نقش استعمار انگلیس و غرب در جهت تفرقه‌افکنی و با یکی از راههای نفوذ غرب برای سیطره بر مسلمانان بیشتر آشنا شوند.

در یکی از روزها یک نفر از علماء شیعه به نام «شیخ جواد قمی» بر عبدالرضا وارد شد، و وی به افتخار عالم شیعی ضیافت مفصلی برپا کرد. در آن مجلس مهمانی من هم بودم و محمد بن عبدالوهاب نیز حضور داشت بین عالم شیعی و محمد بحث شد، من تمام نکات آن بحث را کاملاً به یاد ندارم، فقط پاره‌هایی از آن گفتگو را حفظ کردم.

شیخ جواد به محمد گفت: در صورتی که تو چنین فرد آزاده هستی که زیر بار تقلید ارباب مذاهب نمی‌روی چرا مانند شیعیان از علی (ع) پیروی نمی‌کنی، محمد گفت علی هم مثل عمر و سایر صحابه است، و گفتارش حجت شرعی نیست، حجت شرعی فقط قرآن و سنت است.

شیخ قمی گفت: چطور علی (ع) با عمر و سایر صحابه فرق ندارد در صورتی که پیغمبر (ص) درباره او فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها» - من شهر علمم و علی درب آن شهر -

محمد گفت: اگر گفتار علی (ع) حجت بود پس باید پیغمبر می‌فرمود: «من بین شما کتاب خدا و علی (ع) را می‌گذارم» چرا فرمود: «من بین شما کتاب خدا و سنتم را می‌گذارم.»

شیخ قمی گفت: اتفاقاً پیغمبر (ص) فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» من در بین شما دو چین گرانبها می‌گذارم یک کتاب خدا و دیگر عترتم - و علی (ع) رئیس عترت پیغمبر بود.

محمد این مطلب را انکار کرد.

شیخ قمی: مدارک زیادی از کتابهای بزرگ اسلامی اهل سنت برای حدیث مزبور ذکر کرد به طوری که محمد در برابر شیخ قمی ساکت شد و نتوانست چیزی بگوید و در مدارکی که او ارائه کرده بود خدشه وارد کند، ناچار مطلب را به صورت دیگر مورد اعتراض قرار داد و گفت: اگر پیغمبر (ص) چنین فرمود که «من کتاب خدا و اهل بیت را در میان شما میگذارم» پس سنت رسول چه می شود؟

شیخ قمی گفت: سنت رسول جز کتاب الله است زیرا سنت رسول شرح کتاب خداست و مقصود پیغمبر کتاب الله در این حدیث قرآن و شرحش سنت است. محمد گفت: مگر کلام عترت شرح قرآن نیست؟ اگر عترت را پیغمبر به جا گذارده است با وجود سنت نیازی نیست؛ بلکه سنت به تنهایی از نظر شرح قرآن کفایت می کند.

شیخ قمی گفت: چون پیغمبر از دنیا رفت مردم بعد از آن حضرت به یک شارحی نیازمندند که قرآن را بر حسب نیازمندیهای زمان تشریح کند احتیاجات مردم را در آن هنگام به وسیله قرآن تامین نماید و این کار بعد از پیغمبر قرآن را با عترت ضمیمه کرد و این دو را جانشین خود قرار داد. من از این حدیث در شگفت شدم، و محمد بن عبدالوهاب جوان را در دست عالم شیعی که مردم کهنسالی به نظر می رسید مانند گنجشکی در پنجه صیاد دیدم که قدرت حرکت ندارد، اینگونه محمد بن عبدالوهاب در برابر شیخ قمی ساکت و بی حرکت مانده بود.

خلاصه من گمشده خود را در محمد بن عبدالوهاب یافتم البته این حسب بی باکی و بلندپروازی او در برابر بزرگان دین و رای مستقلی که او از نظر فهم قرآن و سنت داشت و به هیچ یک از رهبران مذاهب حتی نسبت به خلفای چهارگانه هم اعتنا نمی کرد، بزرگترین نکته ای بود که برای من این امکانات را بوجود آورد که از طریق اوماموریت خود را در اجتماع مسلمانان نقش بدهم.

منبع: کتاب یادداشت های مستر همفر، ترجمه سید احمد علم الهدی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۹۲۴/چگونه-عبدالوهاب-بن-محمد-مغلوب-شیخ-مغلوب-عبدالوهاب-بن-محمد-چگونه>